



۲۰۱۵/۰۷/۱۳



عبدالله نجات

## پشتونخوا – قبایل – سرنوشتی در میان آسیا سنگ تجزیه و منازعه به ادامه «قبایل در مسیر بازی بزرگ»

مشکل راناباید انتیکی ساخت واقعتی ها را از روایتیهای حاکم جدا باید کرد.

بغیر از موضع گیری های رسمی دولت های افغانستان و پاکستان بصورت کل موضع گیری پیرامون خط دیورند و سرحد بین المللی بودن آن با همه و هرنوع نیت و علایق به سه رویکرد برمیگردد. 1- رای که همه دلایل و منطق استدلالش بر تایید آن تأکید دارد 2- موضع گیری و استدلال هایی که بر رد آن اذعان دارد 3- کسان و یا جوانی که برای حل آن راه حل بدور از خشونت مبتنی بر اصول و منافع علیای دو کشور و با محور قرار دادن باشندگان منطقه مورد منازعه با یک نظارت منصف و بی طرف را صوابی می دانند. در دو دید نخست حقوق از قبل تعیین شده است، ولی مورد سوم اصل منازعه را می پذیرد. و بر توافق جوانب منازعه و حل و راه حل آن توصیه میکنند. در میان سخن پردازان و تحلیلگران کشور ما وجوهات و پرتوی از این دیدگاه هابه ملاحظه میرسد. با آن که در ارایه دلایل و جنبه های استدلالی و تعبیرات تفاوت هایی وجود دارد. ولی آنچه از آثار در دیدگاه هابه ملاحظه میرسد بر علاوه نمای اکادمیک و حقوقی مسئله غبار ایدئولوژیک-سیاسی و اثرگذاری همین بار برخاسته از شکاف ها و تناقضات درون جامعه و نوعی تباین و یا عدم وفاق در مورد شناخت و یا تعریف از هویت خویشتن در این موضع گیری ها متباز است. مشکل ثانی بخصوص در دو نگاه نخستین، انتزاعی نگر و جدا ساختن مسله از بعد هویتی تاریخی و ویژگی عملی و مشخص و یگانه ساختن این مشکل است. این دیدگاه ها را فعلاً نقد نمی کنیم. ولی نکته ای را یادآوری و قابل ذکر میدانیم که: یک- بدون ایجاد مخرج مشترک ملی در این مورد تنشها و طلاطم درون جامعه دنباله بعدی و یا همزمان بحران خواهدبود و این فرصت مغتنم برای تداوم مداخله پاکستان و بحران بزرگتر برای افغانستان می باشد و با موقعیت حساس جیوپولتیک کشور ما حضور، درگیری و مداخلات بازیگران زیاد و متخاصم نه تنها افغانستان بلکه منطقه را به آتش افروزی تهدید میکند.

آن زمان که حکم نخبگان سیاست امر مقدر و مقدس تلقی میگردید سپری گردیده و بجز کنار آمدن با خود و تمکین به منافع برحق و مشروع مردمان، سایر سوداگری های سیاسی – و نظامی فرجام نکویی ندارد. بازنده اصلی هم مردمان و تمامی باشندگان این کشور خواهد بود. دوم- حل و بازگشایی این کورگره در کلیت امنیت منطقه با کورگره های دیگری هم پیوند خورده و تا زمانیکه در ماهیت و معنای زبان و فرهنگ مسلط در منطقه تغییر و امیدواری مثبتی فرا نرویده است صلح و امنیت پایدار بعید به نظر میرسد. بهترین راهکار ایجاد میکانیسم همگرایی از طریق باور سازی و حسن تفاهم میان کشور ها و مردمان و توجه به رشد مادی و معنوی منطقه ایکه به قبایل آزاد و پشتونخوا مسمی است و هرنوع تلاش دامن زدن ستیز و خشونت و برهم زدن پل ارتباط ناشیگری، ماجراجویی و ویرانی خواهد بود. زیرا حافظه تاریخ هنوز حضور دارد.

با استقلال پاکستان و برآمدن انگلیس از نیم قاره هند مسله تعیین سرنوشت قبایل یاغی «سرحدی شمال غربی» میراث پاکستان شناخته شد. افغانستان امید وار بود که ترک نیم قاره هند از سوی بریتانیا باید، دور از دیکتات به حق و در خواست موجه افغانستان و حق انتخاب آزاد، این مردم وقعی گذاشته شود که نشد بناءً حکومت افغانستان در این مسئله مخالفت کرد. زیرا حکومت افغانستان بدون در نظر داشت حق خودارادیت پشتونهای آنسوی خط به مرزی دیورند باور ندارد معتقد است که پاکستان در زمان برآمدن بریتانیا از هند جدا گردید و حیثیت وارث را ندارد" و با آن که میدانست این سرزمین با زور خدعه از پیکر افغانستان جدا گردیده و تا آخر هم به تسلط برتانیان در نداده است همچنان برتانیان و پشاهانگان تشکیل پاکستان دعوی افغانستان در این رابط را از قبل میدانست و راه حل عادلانه پشتون های آن سوی مرز را نه بموجب کفر و اسلام بلکه مراجعه به آرای آزاد مردم برای انتخاب سرنوشت آن ها حل میکرد و آنرا نباید تیول پاکستان قرار میداد" از این رو این خط باطل و مردود است!" (10) "دعوی سیاسی اخلاقی مبتنی بر وفا داری اسلامی از سوی پاکستان بر منطقه پشتونستان هیچگاه از دعوی مبتنی بر همچو بنیاد ها از سوی افغانستان قوی نیست از سوی دیگر پشتون های باشنده سمت شرقی دیورند لاین با

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکاري ته رابلئ. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼه: دليکنې دليکنيزې ښې پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خير و لولئ

افغانستان زبان، عنعنات و تاریخ مشترک دارد. نه با پاکستان (11) " با این هم بجای آن که منطقه پشتونستان با افغانستان پیوست گردد در عوض آن ها خواهان حق خود ارادیت پشتون های اند . " سیاست افغان در این باب آشکار بیان گردیده یعنی افغانستان هیچگاهی نخواسته خاک خود را توسعه دهد ما در برابر برادران پشتون خود مسئولیت های مشخصی داریم زیرا آنها با ما در خون و کلتور شریک اند (12). محمد ظاهر شاه در سال ۱۳۲۶ ش. برابر با ۱۹۴۷ م. در افتتاح مراسم جشن استقلال افغانستان در سخنرانی اش اظهار کرد که "...ما از ناحیه سرنوشت قبایل آزاد بی علاقه بوده نمی توانیم به آنها در تعیین سرنوشت خود باید بدون قید و شرط حق داده شود". همچنان برخی استدلال دارند که در طرح مسئله دیورند از سوی دولت افغانستان قبل از تاسیس پاکستان به آدرس دولت بریتانیا مراجعه شده است ولی آن ها بنابه اغراض بهانه تراشی و از بلوف و مانور کار گرفته و آنرا با بوجود آمدن تغییرات در جغرافیای هند مربوط دانسته اند. و اذعان دارند که "با در نظر داشت اصول بین المللی این گونه خط سرحدی بنام سرحد دیفکتو یاد میگردد که ارزش حقوقی و قانونی آن بصورت کامل پذیرفته نشده است" و عقیده دارند که بنا به تحلیل و ارزیابی اوضاع منطقه و فراهم شدن شرایط منافع منطقه و افغانستان در آنست" تا تمامیت ارضی افغانستان تکمیل گردد".

از سوی دیگر پاکستان احساس می کند. که وارث قانونی تمامی حقوق و وجایب هند بریتانوی است. همچنان قبایل را جز و تفکیک ناپذیر پاکستان میدانند. پاکستان نظر دارد برادران دینی ما پشتون ها در مبارزه ضد انگلیس و همین گونه در مبارزه خلاف حکومت انگلیس و در تشکیل پاکستان نقش فعال ایفا کرده است پاکستان تاکید و اصرار میدارد که دیورند لاین سرحد بین المللی افغانستان است. (13) پاکستان حالات آن سوی مرز دیورند را موضوع قانونی و امور داخلی خود میدانند نه اینکه مسئله بین المللی باشد. آن کشور قبول ندارد که روی آن بحث شود و آنرا کم از کم به داور بین المللی بگذارد. (14) از این که پاکستان در مسایل سرحدی با چین و ایران نظر ثانی کردند که بموجب آن ۲۰۵۰میل مربع خاک کشمیر به چین حواله شد و ضمناً در نظر ثانی با ایران سه صد میل جزو خاک ایران و ۹۵ میل به پاکستان رسید. بناءً در موضوع خط دیورند از نظر افغانستان به گونه مشابه احیاء شده میتواند زیرا شرایط آن کم و بیش مشابه اند. (15)

مسئله سرحدی "خط دیورند" از معاهده ۱۸۳۸ لاهور بین انگلیس و رنجیت سنگ و بریتانیا آغاز سپس با معاهده گند مک با امیر محمد یعقوب خان وسعت یافته و به تعقیب جنگ دوم افغان و انگلیس، و به قدرت رسیدن امیر عبدالرحمن خان در ۱۸۹۳ نماینده بریتانیا دیورند و امیر عبدالرحمن بنام " معاهده کابل" امضاء و سپس با امیر حبیب الله مجدداً تجدید و در ۱۹۱۹ و ۱۹۲۱ در بدل استقلال افغانستان با جانب انگلیس در کابل امضاء و روابط رسمی دو دولت کامل الوداد و مستقل تامین گردید. چنانچه پیش از این گفتیم در رابطه با چگونگی این معاهدات از سوی محققین و مورخین نظریات تحلیل ها و موضع گیری های گوناگونی گزارش گردیده است.

آیا این خط با نورم های پذیرفته شده مطابقت داشته و یا که برای رسیدن به هدف های جیو استراتژیک جانب انگلیس هر نوع ارزش ها را پامال کرده و هیچ نوع نورم ها را در نظر نگرفته است؟؟ مجبوریت های امیر عبدالرحمن خان در مسایل چرا قابل توجیه و یا تفتیح میباشد؟ آیا مجبوریت ها و مکونات و نیات امیران افغان بخصوص عبدالرحمن خان بر جنبه حقوقی و اصول پذیرفته شده در حقوق بین الدول در باره مسایل از قماش این معاهده تغییری وارد کرده میتواند؟ منازعات برخاسته از بستر جلعکاری ها، زورگویی و نا روایی های صورت گرفته را چگونه حل و یا کاهش باید داد؟ در همچو موارد احترام به تمامیت ارضی از حقوق مایه میگیرد یا از مجبوریت ها و به اصطلاح از نگرانی از برهم خوردن جغرافیای سیاسی ممالک؟. ارزش ها و اصول نوین و جهان شمول اصلاح روابط جهانی انسانی و بین المللی در مطابقت با حقوق بشر و آنچه معیار ها و ارزش های جوامع فدرال است در تعیین تکلیف قبایل چی حکمی دارد.؟ یا عامل تغییر شرایط که سبب ساز عرض وجود سایر ملل مستقل در دوران اخیر شد در این رابطه چگونه حکمی میتواند تفسیر شود ؟

منافات داشتن با نورم ها چی اصلاحاتی در تغییر وضعیت را مجاب میداند اگر این خط آن طوریکه تایید گران آنرا حل شده میدانند چی الزامات و وجایبی را بر دوش دولتین میگذارد اگر موضوع حل شده است مشکل سیاسی و حقوقی در کجاست؟ مشکل پاکستان با قبایل در چیست و چرا مکلفیت های انسانی و مدنی در اعاده حقوق قبایل تعال میگردد؟

توافقنامه خط برای یک تصفیه ساحوی بین المللی بود نه به حیث وسیله ای که سهولت های اداری و رفاهی و آرامسازی قبایل ساکن را تامین کند. اینکه ساحه قبیلوی در حکومت بریتانوی شامل نبوده در اسناد معاصر بصورت رسمی برجسته شده است. (16) صرف نظر از مواد توافقنامه ۱۹۲۱ میان دولتین، نامه ای که عنوانی وزیر خارجه

د پانو شمیره: له 2 تر 4

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلپکنی د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولی

افغانستان از سوی نماینده بریتانیا به مثابه متمم موافقتنامه آمده چنین می خوانیم: چنانکه شرایط قبایل سرحدی هر دو حکومت برای حکومت افغانستان قابل توجه است من به شما بصورت واضح اظهار میکنم که حکومت بریتانیا در باره قبایل سرحدی احساسات نیک و عالی داشته و توجه همه جانبه می نماید که با آن ها برخورد شریفانه صورت بگیرد به این شرط که آن ها برضد باشند گان هند از تجاوز دست بر دارند من امید وارم که این نامه سبب رضایت شما خواهد شد. (بخاطر معاهده سال ۱۹۲۱). (17)

واکن در ارزیابی خود در رابطه ادعای پاکستان می نگارد که: ادعای اخیر بریتانیا و پاکستان که حاکمیت کامل معاهده دیورند درست است و افغانستان این حاکمیت را بپذیرد بی ثبات و متزلزل به نظر می رسد و ضمناً نظر رسمی دولت افغانی را چنین نتیجه گیری می کند:

الف - خط دیورند بعد از ترک هندوستان اهمیت ( قانونیت ) ندارد .

ب- آنها ادعا ندارند که منطقه قبایل واپس به آن هامستردگردد بلکه فقط می خواهد که آن افغان ها بی را که ملیت و کلتور جدا گانه دارند. و حتی در زمان حاکمیت انگلیس در هندوستان مستقل مانده بودند و با دولت انگلیس پیوسته در جنگ و نزاع بودند بناءً برای آن هاتشکیل دولت مستقل پذیرفته شود منبع اصل آرزوگی آن ها انگلیس بود داعیه پشتونستان را علم نمی کنند و نگرانی آن ها از پاکستان این است که برای وی میراث انگلیس بجا مانده و در باره پشتون ها همان پالیسی را عمل می کنند. همین ادعاهاست که در متین داعیه پشتونستان جا دارد. (18)

از دو زاویه: موضع گیری دولت افغانستان و نهضت خدایی خدمتگار یکسان نبود و هرکدام از وضعیت و موقعیت ویژه ای به آزادی پشتونخوا نظر داشته است. دولت افغانستان در طی پیغام های خود به آدرس نایب السلطنه لارد مونت بیتن اظهار داشت که در جهت هر نوع تغیرو تبدیل حاکمیت در هند مشوره مناسب است و این بر وضع مردم قبایل اثر گذار خواهد بود. این ثبوت وجود دارد که افغان ها به این تشویق گردیدند تا باور کنند که با آن ها مشوره خواهد شد. (۱۹). (نقل از واکن)

در این سال ۱۹۴۷ وضع هندوستان هم بنابه غلیان عمومی و هم بحران شدید در صوبه سرحد وخیم بود. با آن که در این صوبه بیشتر از نود فیصد مسلمان بود مردم به طرفداری از هندوستان به طرفداران پشتون کانگرس رای مثبت داده بودند. با آن که در سال ۱۹۴۶ در مسئله انتخاب مسلمانان برای کشور واحد در حمایت مسلم لیک قرار گرفتند ولی یک استثنایی در صوبه سرحد وجود داشت که در انتخابات ۱۹۴۹ از پنجاه کرسی 23 کرسی را کانگرس بدست آورد و داکتر خان صدارت صوبه را عهده دار گردید. شعبه محلی صوبه سرحد کانگرس که رهبری آنرا برادران خان عهده دار بودند به طرفداری هند و به مخالفت تجزیه به پاکستان نظر دادند. و صوبه سرحد در تمام هند محل خطرناک محسوب می گردید. (20)

وقتی تقسیم هند به دوکشور هند و مسلمان یقینی گردید هر دو برادر ( غفار خان و برادرش ) و پشتون ها موضوع تاسیس دولت مستقل پشتونستان را علم کردند و لارد مونت بیتن نگرانی خود را درین باره اظهار داشت که موقف صوبه سرحد استثنایی است و به این ولایت باید موقع داده شود که بر موقف خود تجدید نظر کند. توافقات با قبایل بایستی بایک مقام تصمیم گیرنده بایسته از طریق گفتگو صورت گیرد. (21).

دولت خود مختار پشتونستان شق سوم از سوی برادران مطرح و واپسرای هم موافقه خود را در استقلال آن مطابق رای دو حزب مسلم لیک و کانگرس اعلام داشت جناح مخالفت کرد ولی اظهار داشت که صوبه سرحد در تشکیل پاکستان از همه خود مختاری برخوردار خواهد بود. نخستین اظهار نظر با صلاحیت در این باره چنین اظهار میدارد:

این واضح است که اسامبله مؤسس پاکستان تنها چارچوب قانون اساسی را ایجاد می کند که صوبه سرحد در آن بچیث یک یونت (بخش) خودمختار (مستقل) خواهد بود و مردم سرحد صاحب اراده آزاد بوده و مسایل کلتوری و اجتماعی خود را خود تنظیم خواهد کرد و در ضمن آن بمتابه یک یونت فدرال پاکستان اداره عمومی ولایت را مانند سایر ایالات در دست خود خواهد گرفت". (22) وقتی در سوم جون ۱۹۴۷ طی اعلامیه تشکیل پاکستان مسلم گردید. و صوبه سرحد ضم آن میگردد. بناء داعیه پشتونستان علم شد زیرا در ریفراندم در نظر گرفته شده آرزو های قبایل قابل اجرا نمیشد. وقتی مطالبه حق خود ارادیت مورد پذیرش واقع نشد. پاچاخان از پیروانش تحریم ریفراندم را مطالبه کرد. زیرا " هر دو الترناتیف انتخاب ما را محدود میکند و به پذیرش هیچکدام حاضر نیستیم چون رایی را که ما می خواهیم برآورده نمیشود من این را می پسندم که خود را به ریفراندم وابسته نسازیم". (23).

حکومت افغانستان وقتی جریان امور را چنین یافت با بهره گیری از فرصت بدست آمده طی یاد داشت های ادعا های خود را به آدر س مقامات هند بریتانوی اعلام داشت و تاکید کرد که در ریفراندم پیشنهاد شده انتخاب پیوستن

مجدد آن با افغانستان باشد. (24). وقتی این درخواست پذیرفته نشد افغانستان به پشتیبانی از خود ارادیت پشتون ها کمر بست. کوتاه سخن اینکه مطالبه کشور مستقل خواست دولت افغانستان نبوده بلکه از سوی رهبران پشتوستان آغاز گردیده است. (25)

داکتر خان می گوید که از این داعیه دولت مستقل پشتونستان پشتیبانی صورت نمیگیرد تا در تجدید خط دیورند دلچسپی بوجود نیاید. داکتر خان به نهر و اطمینان داد که ما آرزوی پیوستن با افغانستان نداریم ما از تماس دولت افغانستان با دولت هند اطلاع داریم ما در وضع دشواری قرار داریم طبعاً حکومت افغانستان از وضع بهره برداری می کند. (26). ریفراندم برگزار شد. موقع انتخاب مستقل داده نشد. مردم خارج از دایره قانون از رای دمی محروم ماندند. از صد، پانزده نفر مردم مستحق صوبه به این جریان چانس یافتند. و کمتر از پنجاه فیصد راجستر شده ها سهم گرفتند و تصمیم پیوست قبایل هم با جرگه های نمایشی قبول شد. (27). موقف کانگرس روشن بود میدانست که این صوبه قلمرو هند را انتخاب نمی کند زیرا رابطه سرزمینی هم موجود نیست طرح مسئله توطیه بر بنیاد دینی است.

در اوج خصومت های دینی و تجزیه طرح مسلحانه داعیه پشتون ها بجان هم انداختن مسلمانان بود. انگلیس و جناح میدانستند که پشتون ها از نزاع میان مسلمانان خود داری میکنند ناگزیر وعده خشک "سرخرمن" حق قبایل رامی پذیرد. (بزرگ بزرگ نمیر جو لغمان میرسد). بناءً تا جاییکه اسناد منابع هندی میرساند مهاتما گاندی هم با پاچاخان در تحریم ریفراندم همنظر بود. شاید خواسته پاکستان را در آتیه اش دچار نزاع بسازد و یا شاید می خواست از حق مسلم و خواست پشتون ها صادقانه دفاع نماید. آیا چال و نیرنگ، وعده سرخرمن و خاک به چشم زدن راه حل مناقشه می تواند باشد؟ چرا پاکستان بر داعیه کشمیر پاه فشاری دارد؟ برای اینکه مبنای دینی دارد؟ همین اکنون در هند برابر با رقم کل نفوس پاکستان مسلمان بود و باش دارد. هند و مسلمان در عالم دینی برای زیست مشترک چه مشکل دارند مگر مشکلی که از مطامع سیاست و ایدئولوژی برمیخیزد! آیا قوانین اساسی تشکیل پاکستان درگزینه های ساختارسیاسی رنگ و رخ منبعث از حقوق انگلیسی ندارد؟ مشکل را نباید دینی ساخت همچنان **مشکل را نباید اثنیکی ساخت**. روایت های مروج خودمحمور قدرتهای بزرگ غربی (آمریکایی سازی) را نباید بر هویتها تحمیل کرد **واقعیت ها را از روایتها حاکم جدا باید کرد**..

---

د پانو شمیره: له 4 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنی د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولئ